



اسلام

طرفدار کدام فرهنگ است؟

در شماره‌های پیش، توضیح داده شد که: اسلام، نهایت جدیت و کوشش را در راه توسعه فرهنگ و بالابردن سطح معلومات مردم، کرده و از هر طریقی که ممکن بوده برای تکمیل و همگانی کردن آن کوشیده تا جائیکه «مبارزه با جهل و تعلیمات اجباری» را از وظائف حکومت اسلامی قرار داده است.

اینک میخواهیم به بینیم اسلام چه نوع فرهنگ و دانش و افق، و طرفدار کدام علم و فرهنگ است؟

آیا آنهمه تعریفها و تمیها که از دانش و دانشمندان کرده و آنهمه ترغیب و تشویقها لیکه برای فرا گرفتن دانش نموده و آنهمه قسمهای مثبتی که برای همگانی کردن آموزش و پرورش، برداشته است، اختصاص بدانتهای دینی و علوم مربوط به معارف و احکام و اخلاقیات اسلامی دارد، یا آنکه تمام علوم و فنونی که جامعه اسلامی با آنها نیازمند است و بدون آن کسان و عظمت مسلمانان در تزلزل میباشد مشمول آن تأکیدها خواهد بود.

و بیارت دیگر، آیا اسلام، همانطوریکه از علوم کلام، فقه، اصول، حدیث، تفسیر و سایر علوم دینی حمایت میکند و مردم را به فرا گرفتن آنها ترغیب و تشویق مینماید، همانطور هم از علوم ریاضی، فیزیک، شیمی، بیولوژی، سوسپولوژی، فیزیولوژی، طب، دارو، سازی، زمین شناسی... طرفداری و حمایت میکند. یا آنکه تمام آن ترغیب و تشویقها مربوط بدسته اول از علوم بوده، اسلام کاری با دسته دوم ندارد؟!؟

این سؤال را معمولاً تحصیل کرده‌ها نمیکنند که هنگام تماس و برخورد خود با برخی از

مسئله‌های عاجی که اسلام را منحصر بیک سلسله عقائد، اخلاقی و مقررات خشک و انعطاف ناپذیر میدانند؛ از آنها بی‌بهری می‌بینند. انتقادهای تند و بدگویی‌های فراوان، از فرهنگ و تمدن کنونی می‌شوند. و احیاناً از آنها می‌شنوند که: اسلام چه کاری باین علوم و فنونیکه هزاران سوء استفاده از آنها میشود، دارد؟!

تیب حیوان و تحمیلگردهنگامیکه باین روحیهها و مطلق‌ها روبرو میشود، این فکر بر ایشان، پیدا میشود که لابد اسلام، با علوم بشری و پیشرفتهای فرهنگی میانه خوبی ندارد، آنچه هم که در این آئین، راجع به فضیلت دانش و دانسته و تمسیم و هشکان کردن آموزش و پرورش، وارد شده (همانطوریکه بعضی افراد اصلاح‌توسیح میکنند) مربوط به علوم دینی و مستندات و احکام و اخلاقیات اسلامی است، نه سایر دانشهای بشری!

ما برای آنکه بر اساس بودن این پندار را روشن کنیم، لازم است توجه شما را بنگارنده در طلب نهائیم:

۱- اسلام که بالذکر جهانی است، خواهان جامعه و حکومتی است که از هر جهت مستقل و بی‌نیاز از بیگانگان باشد یعنی بشرین دکن، مهندس، صنعتگر، دادموار، زمین‌شناس، ... داداشنه‌واز مجبورترین دانشگاه و مسائل تحقیق و پیشرفت علمی و دفاعی (۱) برخوردار باشد تا بتواند در میان رقبای فراوانی که دارد، احساس سر بلندی و غرور کند، و اگر به بنجر به قنات شده ملتی که دست در یوزگی و نیاز، بسوی ملت دیگری دراز میکند، خواه ناخواه محکوم اراده و نفوذ او خواهد بود و سر نوشت او بدست همان ملت مستند روی نیاز، تعیین خواهد شد. و حال آنکه اسلام، سرپسندد، بیگانگان بر مسلمانان، سطر و تسلط داشته باشند.

« ولن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً » (۳)

۲- دنیای امروز، نسبت بگذشته از حیث رفاه و رفاه کرده از آنجمله اینکه زادگی و کنونی آمیخته با علم و دانش گردیده و هیچ کاری نیست مگر آنکه عمر پیروزی و کلید موفقیت آن، امروز علم و دانش است، اگر در سابق، کشاورزان، با وسائل ابتدایی زمین را آباد میکردند، امروز کشاورزی می‌کایزده شده، اگر در گذشته گرم شدن و خوراک پختن، باهیزم صورت میگرفت، امروز گرم شدن و سرد شدن، خوراک پختن و لباس شنیدن، با یاروب کردن و آب کشیدن و... برقرار میشونی شده، اگر در سابق با شاکردگی کردن یک فرطیب، با معماریا،

(۱) واعد دالیم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخبل، ترهینون به عدوانه و عدوکم (افعال آیه ۶۰)

(۲) سوره نساء آیه ۱۴۱

صنعتگر، با تاجر، یا کشاورز، میشد و امکان داشت فوت و فن بز شکی، معماری، صنعتگری، تجارت و کشاورزی را آموخت و در قسمتهای پادشده مهارت پیدا کرد، امروز چنین کاری میسر و مقدور نیست، امروزه کارها نیازمند به تحصیل و تخصص است، از سیاست و طبابت گرفته تا دام - داری و تجارت، در همه اینها بایستی از راه مدرسه رفتن و دانشگاه و رشته‌های تخصصی و فنی دیدن، مهارت پیدا کرد، سخن کوتاه اینک: **سرخ تمام کارها امروز؛ در دست علم و فرهنگ بشری است.**

۳- فقهاء اسلام، اصطلاحی دارند، و میگویند: **« وجوب علم »** و **« وجوب نفسی تربیتی »** است یعنی **« وجوب علم »**، تنها یک وجوب مقدس، مثل همه مقدسه واجب‌ها که وجوب استقلالی ندارند، نیست، بلکه یک وجوب استقلالی است و در عین حال، علم از آن جهت واجب است که با انسان آمادگی میدهد که سایر وظائف خود را بتواند انجام دهد.

بنابر این، فریضه علم، در اسلام بسائر فرائض و تکالیف فردی و اجتماعی بستگی دارد، هر گاه شئون حیاتی مسلمین، شکلی بخود بگیرد که وابستگی بیشتری ب علم پیدا کند، فریضه علم اهمیت و لزوم و توسعه و عموم بیشتری پیدا میکند زیرا فریضه علم از هر جهت، تابع میزان احتیاج جامعه است.

همین‌ها که از اصول و مطالب پادشده می‌توان گرفت، اینست: ما برای آنکه یک جامعه و یک ملت سر بلند و عزیز و مستقل داشته باشیم دست در یوزگی بسوی بیگانگان، دراز نکنیم و تمام نیازمندیها و تکالیف فردی و اجتماعی خود را که بستگی بدانش و فرهنگ دارد، با سر پنجه دانش و پادشده خود، رفع کرده و انجام دهیم، بایستی برای فرا گرفتن تمام دانشهای مفید بشری بکوشیم و در جمیع شعبه‌های علوم، متخصص و افراد و ورزیده داشته باشیم.

روایات کنگه میکنند و در فهم و انجام تکالیف برای ما نافع است؟ بنا بر این هر علمی که بحال اسلام و مسلمین مفید و برایشان نافع باشد، خواه فزیک و شیمی و معدن شناسی باشد، و خواه ریاضیات و طبیعی و مستطوب، در صورتیکه منظور از تحصیل آن، **« خدمت با اسلام و مسلمین باشد »** مشمول تمام آن تا یکدا و آن ترغیب و تشویقاً است که درباره دانش و فرهنگ وارد شده خواهد بود و طلب آن، بنا بقوله پینه‌ور اسلام **« طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة »** بر هر فردی واجب و لازم میباشد.

جعفری میکند، گاهی طلب دانش، مستلزم در کسوفهم معارف و احکام و اخلاق اسلامی است و گاهی برای انجام امور روحانی است که فصلی ساختن آن، نیازمند بدانش و علم است، مانند طب، داورساری و دیگر از نیازمندیهای اجتماع که وجوب کنائی دارند؛